

بررسی تأثیر تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی

سیدعلی واعظ^{۱*}، محمد بنافی^۲، سجاد ویسی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور دو فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۶۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرهای ثابت بررسی و آزمون شد. نتایج پژوهش نشان داد که معاملات با اشخاص ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارد. در واقع، نتیجه نشان‌دهنده این است که حسابرسان تلاش‌های حسابرسی (منعکس‌کننده حق الزحمه حسابرسی) را برای رسیدگی به ریسک مرتبط با معاملات با اشخاص وابسته افزایش می‌دهند. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تخصص حسابرس در صنعت موجب تعدیل رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که به وسیله حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکت‌ها، ضعیف‌تر است.

واژه‌های کلیدی: تخصص حسابرس در صنعت، حق الزحمه حسابرسی، معاملات با اشخاص وابسته.

۱. استادیار حسابداری دانشگاه شهید چمران، اهواز

۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید چمران، اهواز

۳. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید چمران، اهواز

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۷/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۹/۵

* نویسنده مسئول: سیدعلی واعظ

sa.vaez@gmail.com

مقدمه

اگر چه تصاحب منابع شرکت از طریق معاملات با اشخاص وابسته، در کشورهای توسعه‌یافته مرسوم است، اما به دلیل نقص بازارهای خارجی و ضعف راهبری شرکتی، این رخداد در اقتصادهای نوظهور بیش‌تر مشاهده می‌شود. در بسیاری از موارد، معاملات با اشخاص وابسته گریزناپذیر و سودمند هستند و در چرخه عملیات شرکت تکرار می‌شوند. ولی در شرایط خاص، به سهامداران عمده یا مدیران شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که به هزینه سهامداران خرد، منافع شخصی خود را افزایش دهند (حمیدی و شعری، ۱۳۹۱). نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهند که می‌توان معاملات با اشخاص وابسته را با تئوری نمایندگی که در آن به نقش مدیریت در مصرف منابع به نفع خود اشاره دارد مرتبط دانست. بر این اساس معاملات با اشخاص وابسته که غالباً به نفع مدیران و به زیان سهامداران است، نوعی مصرف منابع در راستای تأمین منافع مدیران محسوب می‌شود. مدیران و یا سایر اشخاص وابسته می‌توانند از نفوذ خود جهت کسب منافع شخصی به واسطه روی آوردن به چنین معاملاتی استفاده کنند و موجب انتقال ثروت از شرکت به سمت خود شوند. همچنین اینگونه معاملات می‌توانند قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش دهند و اثرات مخربی بر فرآیند ارزش آفرینی واحد تجاری در بلندمدت داشته باشند (کلبک و می‌هو، ۲۰۰۴؛ چئونگ و همکاران، ۲۰۰۸ و آهرونی و همکاران، ۲۰۰۹).

در این میان حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی، به طور معمول در شرایطی که مشکلات نمایندگی حاکم است، برای کاهش تضاد منافع مطرح می‌شود. رسالت حسابرسی اعتبار بخشی به گزارشگری مالی و اعتماد سازی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است و در مقابل منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق‌الزحمه تأمین می‌شود. ویژگی‌های حسابرس و واحد مورد رسیدگی تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی هستند. ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی؛ از جمله هزینه‌های نمایندگی می‌تواند از طریق تأثیر بر سه عامل توصیفی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد و حسابرسان برای شرکت‌هایی که احتمال وجود مشکلات نمایندگی در آن‌ها زیاد است حق‌الزحمه بیش‌تری به منظور پوشش ریسک در نظر می‌گیرند (نیکنن و پتری، ۲۰۰۵ و حبیب و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، همین تضاد منافع بالقوه و رویدادهای گزارشگری متقلبانه، ترس سرمایه‌گذاران را برانگیخته و آن‌ها را به سوی تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا تشویق می‌کند. شواهد حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی اثربخش‌تری را ارائه می‌کنند و تغییرات ساختاری در شرکت‌های حسابرسی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، حاکی از آن است که تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسی بازی می‌کند (گال و همکاران، ۲۰۱۰).

مطالعه ادبیات موضوعی از یک سو نشان می‌دهد حق الزحمه حسابرسی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب حسابرس مستقل محسوب می‌شود و از سوی دیگر نیز بیانگر آن است که معاملات بر اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد. همچنین، تخصص حسابرس در صنعت ممکن است موجب تغییر در حق الزحمه حسابرسی نسبت به سایر حسابرسان باشد. بنابراین، با توجه به مطالب پیشین، هدف این پژوهش بررسی تأثیر تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی است. در واقع، در پژوهش پیش رو تلاش شده است به بررسی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و معاملات با اشخاص وابسته پرداخته شود تا به کمک آن بتوان از یک سو با تعیین حق الزحمه حسابرسی، اطلاعات مهمی در مورد شدت مسئله نمایندگی شرکت‌ها که ساختار مالکیت متفاوتی دارند، در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار داد و از سوی دیگر، حسابرسان نیز با شناسایی این عوامل بتوانند خدمات خود را به نحو مناسبی قیمت‌گذاری کنند.

پیشینه نظری

معامله با اشخاص وابسته عموماً به صورت «انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن» تعریف می‌شود. معامله با اشخاص وابسته از ویژگی‌های معمول واحد تجاری است، به این دلیل که بسیاری از شرکت‌ها فعالیت‌های خود را از طریق واحدهای فرعی، مشارکت خاص و شرکت‌های وابسته انجام می‌دهند. در چنین شرایطی شرکت‌ها قادر هستند که بر سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکتی که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند از طریق کنترل، کنترل مشترک یا نفوذ قابل ملاحظه تأثیر بگذارند. از آنجا که اشخاص وابسته می‌توانند معاملاتی با شرکت انجام دهند که از توان اشخاص غیر وابسته خارج است، ارتباط با اشخاص وابسته اثر مهمی بر نتایج و وضعیت مالی واحد تجاری خواهد گذاشت. به علاوه نتایج و وضعیت مالی شرکت به خاطر صرف وجود اشخاص وابسته (حتی اگر معامله‌ای صورت نگیرد) تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کورلاشیا و تودور، ۲۰۱۱). می‌توان گفت که معاملات با اشخاص وابسته و در نتیجه آن امکان بروز رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، ناشی از تضاد نمایندگی است. یکی از مفروضات اساسی تئوری نمایندگی این است که مدیریت برای به حداکثر رساندن منافع شخصی خود، منابع شرکت را به نفع خود به مصرف می‌رساند و معاملات با اشخاص وابسته که غالباً به نفع مدیران و به زیان سهامداران می‌باشد از این نوع محسوب می‌شود این سوء رفتارهای مدیریت علاوه بر ایجاد اختلال در امر ارزش‌آفرینی برای سهامداران می‌تواند امنیت شغلی مدیران را نیز به خطر اندازد. به همین دلیل مدیران برای محفوظ ماندن از اثرات

سوء این معاملات ممکن است اقدام به تحریف صورت‌های مالی نمایند که این مسئله باعث اختلال در امر ارزش‌آفرینی برای سهامداران می‌شود چرا که امکان تصمیم‌گیری آگاهانه را از مالکان به دلیل ارائه اطلاعات تحریف‌شده سلب می‌کند (ماتئو و مارکو، ۲۰۱۴). حبیب و همکاران (۲۰۱۵) نیز معتقدند که بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت، خسارت سهامداران شرکت‌ها می‌شوند.

در این شرایط، موضوع حسابرسی معاملات با اشخاص وابسته از موارد پیچیده است و ناتوانی حسابرسان در شناسایی این معاملات، یکی از کاستی‌های حسابرسی است. انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۲۰۰۱)، سه دلیل برای مشکل بودن حسابرسی معاملات با اشخاص وابسته ارائه می‌کند. اول آنکه این معاملات به سادگی شناسایی نمی‌شوند، دوم حسابرس برای شناسایی اشخاص وابسته و معاملات با اشخاص وابسته، به مدیر و سهامدار عمده اتکا می‌کند و سوم، این معاملات با کنترل‌های داخلی شرکت، به سادگی قابل رهگیری نیست. هپ (۲۰۱۰) بیان کرد که شدت مسئله نمایندگی، باعث افزایش ساعات کار حسابرسی می‌شود. سرمایه‌گذاران از شرکت‌هایی که در ساختار مالکیت آن‌ها نشانه‌هایی از مسئله نمایندگی به چشم می‌خورد، انتظار دارند حسابرسان با کیفیت‌تری را استخدام کنند. از سوی دیگر، مدیریت برای جلب رضایت بازار سرمایه، اقدام به استخدام حسابرسان خوش نام می‌کند. پژوهش‌های اخیر نیز بیانگر این است که بین تخصص حسابرس در صنعت و کیفیت حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. به بیان دیگر، حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به دلیل داشتن توانایی بیش‌تر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می‌توانند حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام دهند. آن‌ها سعی می‌کنند حداقل برای حفظ شهرت و سهم خود از بازار از گزارش هیچ اشتباه یا تحریف با اهمیتی غافل نشوند. بنابراین هر قدر مؤسسه حسابرسی تجربه بیش‌تری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه بیش‌تری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بهتر پیدا می‌کند (دیون و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین، حبیب و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که میزان تلاش حسابرس با استفاده از حق‌الزحمه خدمات حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود و هر چه مسئله نمایندگی بزرگ‌تر باشد، فعالیت بیش‌تری برای اطمینان در خصوص عدم وجود تقلب و یا اشتباه با اهمیت در صورت‌های مالی لازم است؛ بنابراین هزینه‌های حسابرسی بیش‌تر خواهد بود. لذا چنین فرض می‌شود که سطح حق‌الزحمه حسابرسی بیانگر درک حسابرس از نیاز به کار بیش‌تر در شرایطی است که مسئله نمایندگی شدیدتر است.

از سوی دیگر، با افزایش تخصص حسابرس، توانایی حسابرس برای درک مشکلات صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت می‌کند، افزایش می‌یابد و از سویی فرصت‌های مناسبی نیز برای رشد، ارتقا و کسب درآمدهای ممکن برای مؤسسه حسابرسی فراهم می‌شود. با دستیابی به این ایده‌آل‌ها، مؤسسه حسابرسی سهم بیش‌تری از بازار را در آن صنعت کسب کرده و با صاحبکاران بیش‌تری در آن صنعت در ارتباط خواهد بود، لذا مؤسسه به توجه به جبران این هزینه‌ها و کسب بازدهی مناسب در آینده، می‌تواند حق‌الزحمه کم‌تری مطالبه کند (فلمینگ و همکاران، ۲۰۱۴). های و جیتر (۲۰۱۱) نیز معتقدند هنگامی که یک مؤسسه حسابرسی برای بررسی صاحبکار به کار دعوت می‌شود، برای آشنایی با نحوه عملکرد صاحبکار در صنعت و نیز عملیات داخلی صاحبکار نیاز به زمان و صرف وقت زیادی دارد که باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود و کارایی عملیاتی حسابرس را پایین می‌آورد. اما، با افزایش تخصص حسابرس در صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت دارد، در شروع کار نیازی به شناخت گسترده از ماهیت و جنبه‌های منجر به فرد فعالیت صاحبکار نیست چرا که حسابرس متخصص قبلاً این دانش و شناخت را کسب کرده و با جنبه‌های مختلف کاری صاحبکار آشنا است. این افزایش شناخت برای حسابرس، با توجه به کارایی حسابرس و کاهش زمان مورد نیاز برای شناخت فعالیت صاحبکار، موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

حبیب و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های چینی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. همچنین نتایج نشان داد که رقابت بازار محصول موجب تعدیل این رابطه می‌شود.

وداری و اکترینا (۲۰۱۵) به بررسی ویژگی‌های مالکیت کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مالکیت مدیریت، اقدامات کمیته حسابرسی، اندازه شرکت، نسبت نقدینگی و نسبت سودآوری بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارند. در حالی که مالکیت نهادی، نسبت جریان نقد آزاد و ارزش بازار به ارزش دفتری تأثیر بااهمیتی بر حق‌الزحمه حسابرسی ندارند.

فلمینگ و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تخصص حسابرس تأثیر منفی و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

کلبک و می‌هو (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه پرداختند تا ارزیابی کنند که آیا اینگونه معاملات یک هشدار برای افزایش ریسک تحریف بااهمیت صورت‌های مالی برای حساب‌رسان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هست یا خیر؟ پژوهشگران دریافته‌اند که (۱) یک همبستگی مثبت و قوی بین اینگونه معاملات و تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه وجود دارد و احتمال تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه زمانی که شرکت‌ها معاملاتی با اشخاص وابسته دارند ۱۵ درصد بیشتر از زمانی است که شرکت‌ها معاملاتی با اشخاص وابسته ندارند. (۲) به طور خاص، معاملات با کارمندان و مدیران یک ارتباط مثبت قوی با تجدید ارائه بعد از تاریخ ترازنامه دارد.

سیرینی وازان (۲۰۱۳) معاملات با اشخاص وابسته را در شرکت‌های هندی مورد بررسی قرار داد. وی طی بررسی خود به این نتایج دست یافت که (۱) بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. (۲) میزان معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌هایی که توسط مؤسسه‌های بزرگ، حسابرسی می‌شوند کم‌تر از بقیه شرکت‌ها بود. (۳) هیچگونه رابطه معناداری بین ساختار مالکیت و معاملات با اشخاص وابسته یافت نشد.

چن و سو (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط میان معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت و نیز، بررسی اینکه آیا راهبری شرکتی اثری مثبت بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت دارد یا خیر پرداختند. نتایج نشان داد مکانیزم‌های راهبری شرکتی، این معاملات را از معاملات فرصت‌طلبانه به معاملات کارا تغییر می‌دهد و استقلال هیأت مدیره، در این معاملات نقش تعدیل‌کننده را بازی می‌کند.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی را بررسی نمودند. در این پژوهش، معیارهای کیفیت حسابرسی اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس و دوره تصدی حسابرس در نظر گرفته شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین تخصص حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معنادار و تصدی حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارند.

سرلک و اکبری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در واقع، بر اساس مسئله نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از کنترل و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند.

رجبی و محمدی‌خوشوئی (۱۳۸۷)، تأثیر هزینه‌های نمایندگی را بر حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش عنوان شده است که وجود رابطه نمایندگی منجر به بروز تضاد منافع می‌گردد، که این امر به نوبه خود منجر به بروز هزینه‌های نمایندگی می‌شود. مدیر جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام به ارائه اطلاعات حسابرسی شده می‌نماید. استفاده از خدمات حسابرسی مستقل، مستلزم پرداخت حق الزحمه حسابرس است که طبق بررسی‌های به عمل آمده، عوامل توصیفی مؤثر بر حق الزحمه حسابرس عبارتند از ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد تجاری. از لحاظ نظری هزینه‌های نمایندگی می‌توانند با افزایش ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی شوند.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه مطرح‌شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.
فرضیه اول: بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط، نمی‌تواند از نوع پژوهش‌های تجربی محض باشد، اما با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی شمرده می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه نتایج به دست آمده از این پژوهش به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی رگرسیونی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی و الگوی داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است اما، اگر روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرهای ثابت در مقابل الگوی اثرهای تصادفی استفاده می‌شود (افلاطونی، ۹۲).

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است. برای انتخاب نمونه، از بین تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که شرایط زیر را داشتند، برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛
 ۲. نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود؛ زیرا ماهیت دارایی شرکت‌های مذکور متفاوت است؛
 ۳. شرکت‌ها طی دوره زمانی این پژوهش، تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداده باشند؛
 ۴. کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش به خصوص یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی در دسترس باشد.
- با توجه به معیارهای پیش‌گفته و محدودیت‌های موجود تنها ۶۵ شرکت (۴۵۵ سال-شرکت) به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید.

متغیرها و الگوهای پژوهش

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی^۱

در پژوهش حاضر، متغیر وابسته حق الزحمه حسابرسی می‌باشد که مطابق با پژوهش‌های گریفین و همکاران (۲۰۰۹)، حبیب و همکاران (۲۰۱۵)، واعظ و همکاران (۱۳۹۳) و خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) بر اساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرسی، همگن کردن حق الزحمه شرکت‌های بزرگ و کوچک می‌باشد.

متغیر مستقل

معاملات با اشخاص وابسته^۲

در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. مقدار این معاملات مطابق با پژوهش‌های کوآن و همکاران (۲۰۱۰)، حبیب و همکاران (۲۰۱۵) و سرلک و اکبری (۱۳۹۲) از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته (خرید کالاها و خدمات از

1. Audit Fee
2. Related Party Transaction

اشخاص وابسته+ فروش کالاها و خدمات به اشخاص وابسته) افشاء شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های مورد بررسی تقسیم بر مجموع دارایی‌های ابتدای دوره شرکت به دست می‌آید.

متغیر تعدیل کننده

تخصص حسابرس در صنعت^۱

در این پژوهش برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت از رویکرد سهم بازار و با توجه به رویکرد پالمرز (۱۹۸۶) بهره گرفته شده است. هر چه سهم بازار بیش تر باشد، تخصص حسابرس در آن صنعت و تجربه او نسبت به سایر رقبا بالاتر است. همچنین داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) به این نکته اشاره دارد که حسابرس به طور موفقیت آمیزی خود را از سایر رقبا از نظر کیفیت حسابرسی متمایز کرده است. در این پژوهش سهم بازار حسابرسان به گونه‌ای است که تخصص حسابرس در سطح مؤسسه حسابرسی به صورت مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت، تعریف می‌شود (رابطه (۱)). در صورتی که حسابرس متخصص باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸).

همچنین مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان مطابق با رابطه (۲) بیش از $1/2$ * (شرکت‌های موجود در صنعت / ۱) باشد. (پالمرز، ۱۹۸۶).

$$MS_{i,k} = \frac{\sum_{j=1}^{i,j,k} TA_{i,j,k}}{\sum_{i=1}^{IK} \sum_{j=1}^{i,j,k} TA_{i,j,k}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$MS_{i,k} > \frac{1}{N_k} * 1.2 \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این الگو:

MS: سهم بازار مؤسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام؛

TA: مجموع دارایی‌های صاحبکاران؛

i: نماد مؤسسه حسابرسی؛

j: نماد شرکت صاحبکار؛

k: نماد صنعت مورد نظر؛

NK: تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی i ام در صنعت k ام.

در صورتی مؤسسات حسابرسی متخصص در صنعت تشخیص داده می‌شوند که رابطه (۲) در آن‌ها برقرار باشد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت^۱: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت i در سال t تعریف شده است. در پژوهش‌های گذشته (سیمونیک، ۱۹۸۰؛ دی‌فوند و همکاران، ۲۰۰۰؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶) نشان داده شده است که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل داشتن حجم معاملات بیش‌تر و مانده حساب‌های بزرگ‌تر، نیازمند زمان بیش‌تری برای رسیدگی هستند.

نرخ بازده دارایی‌ها^۲: بیانگر بازده دارایی‌های شرکت i در سال t است و از نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. نایمی (۲۰۰۲) نشان داد که حتی با محدود بودن ریسک حقوقی، ریسک تجاری صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است. بر این اساس در این پژوهش همانند پژوهش نایمی (۲۰۰۲)، از متغیر سودآوری برای اندازه‌گیری ریسک تجاری صاحبکار استفاده شده است.

زیان‌دهی^۳: در صورتی که شرکت زیان‌ده باشد؛ معادل یک و در غیر این صورت معادل صفر در نظر گرفته می‌شود. این متغیر برای کنترل شرکت‌هایی که زیان اعلام کرده‌اند در نظر گرفته شده است.

نسبت آنی^۴: نسبت دارایی‌های جاری منهای موجودی‌ها تقسیم بر بدهی‌های جاری شرکت i در سال t تعریف شده است. از متغیر نسبت آنی به عنوان معیار نقدینگی شرکت استفاده شده است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با کاهش نقدینگی شرکت، ریسک شرکت افزایش و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی افزایش خواهد یافت (هی و همکاران ۲۰۰۶).

الگوهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیونی چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بنابراین، فرضیه‌های پژوهش به ترتیب بر اساس الگوهای زیر بررسی شده است.

$$LNAFEE = \beta_0 + \beta_1 RPT + \beta_2 SIZE + \beta_3 ROA + \beta_4 LOSS + \beta_5 QUICK + \varepsilon \quad \text{الگوی شماره (۱)}$$

-
1. Size
 2. Roa
 3. Loss
 4. Quick

$$\text{LNAFEE} = \beta_0 + \beta_1 \text{RPT} + \beta_2 \text{SPEC} + \beta_3 (\text{RPT} * \text{SPEC}) + \beta_4 \text{SIZE} + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{LOSS} + \beta_6 \text{QUICK} + \varepsilon$$

(الگوی شماره ۲)

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل توصیفی داده‌های کمی پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
حق‌الزحمه حسابرسی	۵/۹۷۶	۵/۹۱۳	۰/۷۴۱	۸/۱۰۳	۴/۴۳۱
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۱۰۹	۰/۰۳۰	۰/۲۰۹	۰/۹۴۰	-۰/۰۱۰۰
تخصص حسابرس در صنعت	۰/۶۱۲	۱	۰/۴۸۷	۱	۰
اندازه شرکت	۶/۱۹۷	۵/۹۸۰	۰/۸۴۱	۸/۰۱۰	۴/۷۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۲۴۱	۰/۲۰۰	۰/۱۳۳	۰/۷۳۰	-۰/۱۰۲
زیان‌دهی	۰/۰۶۵	۰	۰/۳۴۸	۱	۰
نسبت آنی	۰/۸۶۳	۰/۷۷۰	۰/۵۲۹	۳/۷۱۰	-۰/۰۸۰۰

* منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ برخی مفاهیم آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه و انحراف معیار مشاهده‌ها ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. میانگین و میانه متغیر حق‌الزحمه حسابرسی ۵/۹۷۶ و ۵/۹۱۳ است، همچنین میانگین و میانه معاملات با اشخاص وابسته نیز به ترتیب برابر با ۰/۱۰۹ و ۰/۰۳۰ می‌باشد. انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین می‌باشد. متغیر نرخ بازده دارایی‌ها با انحراف معیار ۰/۱۳۳ دارای کم‌ترین پراکندگی از میانگین و متغیر اندازه شرکت با انحراف معیار ۰/۸۴۱ دارای بیش‌ترین پراکندگی از میانگین است.

آزمون فرضیه‌ها

قبل از برآزش مدل‌ها، به منظور تعیین استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی، باید آزمون F لیمر روی مدل‌های پژوهش اجرا شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۶۴/۲۷۱	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۲	۶۳/۲۶۸	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیه H_0 برای مدل‌های پژوهش، باید برای انتخاب مدل داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرهای تصادفی، آزمون هاسمن نیز اجرا شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در جدول ۳ نشان داده شده است

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۱	۱۱۲/۴۸۶	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت
مدل ۲	۱۱۶/۲۳۶	۰/۰۰۰	مدل اثرهای ثابت

همانطور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است الگوی داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت برای مدل‌های پژوهش روش ارجح است. بنابراین، برای تخمین مدل‌های پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای تشخیص خودهمبستگی مدل از آزمون دوربین-واتسون استفاده شده است. اگر مقدار آماره دوربین-واتسون نزدیک به عدد ۲ باشد، استقلال جمله خطای مدل را می‌توان پذیرفت. علاوه بر این، برای بررسی معناداری کل مدل نیز آزمون فیشر اجرا شده است. در ادامه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش آمده است:

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

برای بررسی فرضیه اول از الگوی شماره (۱) استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	-۳/۸۶۶	۰/۸۰۴	-۴/۸۰۵	۰/۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۶۸	۰/۰۱۱	۵/۷۱۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۶۶۳	۰/۰۶۰	۱۰/۸۹۳	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۳۷۶	۰/۳۳۹	۱/۱۱۰	۰/۲۶۷
زیان‌دهی	۰/۲۴۳	۰/۱۱۱	۲/۱۹۲	۰/۰۲۹
نسبت آئی	۰/۱۴۴	۰/۰۵۳	۲/۷۲۲	۰/۰۰۶
احتمال آماره F	۰/۰۰۰			
آماره F	۱۰/۹۵۰			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۶۰۹			
آماره دوربین واتسون	۱/۶۶۸			

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره F به دست آمده برای مدل که برابر ۱۰/۹۵۰ می‌باشد و همچنین سطح خطای آن که برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در کل مدل از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده به دست آمده برای مدل که برابر با ۶۰/۹ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که متغیرهای مستقل و کنترل به ترتیب در حدود ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند و با توجه به آماره دوربین-واتسون به دست آمده برای مدل که به ترتیب برابر ۱/۶۶۸ می‌باشد، می‌توان بیان کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان جملات باقیمانده مدل وجود ندارد. افزون بر این، با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۴؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرِس، برابر ۰/۰۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته نیز ۰/۰۶۸ است. با توجه به معناداری ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته و مثبت بودن آن می‌توان نتیجه گرفت، بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرِس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش معاملات با اشخاص وابسته، حق‌الزحمه حسابرِس نیز افزایش می‌یابد که این نتیجه مطابق با یافته‌های حبیب و همکاران (۲۰۱۵) است.

آزمون فرضیه دوم

برای بررسی فرضیه دوم از الگوی شماره (۲) استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	-۴/۴۱۲	۰/۷۸۶	-۵/۶۰۸	۰/۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۹۷	۰/۰۱۲	۷/۵۸۷	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت	-۱/۲۴۹	۰/۲۴۵	-۵/۰۸۱	۰/۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته* تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۰	-۵/۱۸۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۶۷۸	۰/۰۵۹	۱۱/۴۸۰	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۴۵۹	۰/۳۲۹	۱/۳۹۵	۰/۱۶۳
زیان‌دهی	۰/۱۹۴	۰/۱۰۹	۱/۷۶۸	۰/۰۷۷
نسبت آنی	۰/۱۴۸	۰/۰۵۱	۲/۸۸۰	۰/۰۰۴
احتمال آماره F	۰/۰۰۰			
آماره F	۱۱/۵۹۷			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۶۲۸			
آماره دوربین واتسون	۱/۷۱۴			

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره F به دست آمده برای مدل که ۱۱/۵۹۷ می‌باشد و همچنین سطح خطای آن که برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در کل مدل از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده به دست آمده برای مدل که برابر با ۶۲/۸ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که متغیرهای مستقل و کنترل به ترتیب در حدود ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند و با توجه به آماره دوربین - واتسون به دست آمده برای مدل که به ترتیب برابر ۱/۷۱۴ می‌باشد، می‌توان بیان کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان جملات باقیمانده مدل وجود ندارد. افزون بر این، با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی، برابر ۰/۰۰۰ است که کوچک‌تر از

۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. همچنین، ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته* تخصص حسابرِس نیز ۰/۱۰۶- است و با توجه به معناداری و منفی بودن ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته* تخصص حسابرِس و تغییر آن نسبت به ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته (از ۰/۰۹۷ به ۰/۱۰۶- رسیده است)، می‌توان نتیجه گرفت تخصص حسابرِس رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرِس را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، با توجه به تغییر ضرایب ذکر شده فوق می‌توان دریافت تخصص حسابرِس در صنعت موجب تعدیل رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرِس می‌شود که این نتیجه مطابق با یافته‌های حبیب و همکاران (۲۰۱۵)، فلمینگ و همکاران (۲۰۱۴)، های و جیتر (۲۰۱۱) است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرِس و تأثیر تخصص حسابرِس در صنعت بر این رابطه در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور دو فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطابق با مبانی نظری ارتباط مثبتی بین بعضی از مفاهیم ریسک و حق الزحمه حسابرِس وجود دارد. در واقع، ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی؛ از جمله هزینه‌های نمایندگی می‌تواند از طریق تأثیر بر سه عامل توصیفی ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بر حق الزحمه حسابرِس تأثیرگذار باشد و حسابرِس برای شرکت‌هایی که احتمال وجود مشکلات نمایندگی در آن‌ها زیاد است حق الزحمه بیش‌تری به منظور پوشش ریسک در نظر می‌گیرند و بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چرا که مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت، خسارت سهامداران شرکت‌ها می‌شوند که این عوامل باعث افزایش ریسک می‌شود. بنابراین، حسابرِس در تعیین حق الزحمه حسابرِس، مشخصه‌های ریسک صاحبکار خود را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق الزحمه‌های بالاتر جبران می‌کنند. به عبارت دیگر، حسابرِس به دلیل تلاش‌های بیش‌تر برای کاهش ریسک مرتبط با معاملات با اشخاص وابسته، حق الزحمه حسابرِس بیش‌تری طلب می‌کنند در نتیجه، انتظار بر این بود که بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرِس رابطه‌ای مثبت وجود داشته باشد. که نتایج فرضیه اول موید همین مطلب و مطابق با یافته‌های حبیب و همکاران (۲۰۱۵) است. همچنین، نتایج فرضیه دوم

نشان داد که تخصص حسابرس در صنعت باعث تعدیل رابطه معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی می‌شود و مطابق با یافته‌های (های و جیتر، ۲۰۱۱ و فلمینگ و همکاران، ۲۰۱۴) است. در واقع، با توجه به پیچیده بودن حسابرسی معاملات با اشخاص وابسته، کیفیت حسابرسی اهمیت خاصی دارد و از آنجا که رابطه مثبتی بین تخصص حسابرس و کیفیت حسابرسی وجود دارد، استفاده از حسابرس متخصص کارا تر است. از سوی دیگر، تخصص حسابرس توانایی حسابرس برای درک مشکلات صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت می‌کند، افزایش می‌دهد و از سویی فرصت‌های مناسبی نیز برای رشد، ارتقا و کسب درآمدهای ممکن برای مؤسسه حسابرسی فراهم می‌شود. با دستیابی به این ایده‌آل‌ها، مؤسسه حسابرسی سهم بیشتری از بازار را در آن صنعت کسب کرده و با صاحبکاران بیشتری در آن صنعت در ارتباط خواهد بود، لذا مؤسسه با توجه به جبران این هزینه‌ها و کسب بازدهی مناسب در آینده، می‌تواند حق الزحمه کم‌تری مطالبه کند. همچنین، در شروع کار نیازی به شناخت گسترده از ماهیت و جنبه‌های منجر به فرد فعالیت صاحبکار نیست چرا که حسابرس متخصص قبلا این دانش و شناخت را کسب کرده و با جنبه‌های مختلف کاری صاحبکار آشنا است. این افزایش شناخت برای حسابرس، موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. در نتیجه، انتظار بر این بود که تخصص حسابرس در صنعت باعث تعدیل رابطه معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی می‌شود که نتایج فرضیه دوم نیز مؤید همین مطلب است.

پیشنهاد‌های پژوهش

پیشنهاد‌های کاربردی حاصل از نتایج پژوهش

۱. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مبنی بر فرصت‌طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته پیشنهاد می‌شود نهادهای تدوین‌کننده استانداردها و قانون‌گذاران در راستای حمایت از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان برای سنجش شاخص ریسک و همچنین برای حمایت از حسابرسان برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی و اعتباردهی به گزارش‌های مالی، استانداردها و قوانینی برای الزام شرکت‌ها به افشای بیش‌تر محتوای اقتصادی معاملات با اشخاص وابسته وضع کنند.

۲. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مبنی بر رابطه مثبت و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی، که نشان از فرصت‌طلبانه بودن اینگونه معاملات دارد، پیشنهاد می‌شود حسابرسان در قیمت‌گذاری خدمات خود ریسک مرتبط با معاملات با اشخاص وابسته را در نظر بگیرند.

۳. فرصت‌طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته یکی از چالش‌های راهبری شرکتی به ویژه در کشورهای آسیایی است. بنابراین نظارت مؤثر بر این معاملات و محدودسازی آن‌ها طلایه‌دار اصلاحات راهبری شرکتی در آسیا است. از این رو فضای کسب و کار کشورهای که از این جهت ضعف دارند نیازمند اصلاحاتی است که محافظت از سرمایه‌گذاران را تقویت کند. بر این اساس به مدیران و مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود نسبت به تدوین مقررات و الزامات قانونی برای اجرایی کردن اصول راهبری شرکتی در مورد شرکت‌های فعال در بورس اقدام کنند و به شرکت‌ها نیز پیشنهاد می‌شود با درکی صحیح از مقوله راهبری شرکتی، نسبت به ایجاد یک ساختار راهبری شرکتی مناسب که منجر به بهبود عملکرد آن‌ها خواهد شد، اهتمام ورزند.

۴. به کارگیری مکانیزم‌هایی از قبیل نظارت مناسب هیأت مدیره بر عملکرد مدیران یا سیستم انگیزشی مناسب که بتواند تضاد منافع را به حداقل برساند، به عنوان راه حل مناسبی جهت رفع تضاد منافع و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در انجام معاملات با اشخاص وابسته، پیشنهاد می‌شود.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به منظور انجام پژوهش‌های آتی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع مختلف و استفاده از مقیاس‌های متفاوت برای اندازه‌گیری معاملات با اشخاص وابسته.
۲. بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی.
۳. بررسی تأثیر دیگر معیارهای کیفیت حسابرسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی.
۴. بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت.

محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. عدم افشای اطلاعات مربوط به معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی توسط برخی شرکت‌ها.

۲. با توجه به استفاده از داده‌های مالی حسابرسی شده، طبیعی است که کیفیت نتایج این پژوهش تحت تأثیر کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی قرار می‌گیرد.
۳. شرایط تورمی کشور و عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی، بر محاسبه متغیرهای پژوهش بسیار مؤثر است، اما به علت عدم انجام این کار در ایران، اثر تورم در پژوهش حاضر نادیده گرفته شده است.
۴. آخرین محدودیت مربوط به ویژگی خاص پژوهش‌های نیمه‌تجربی است که در حوزه علوم اجتماعی رایج است. به عبارت دیگر، تأثیر متغیرهای دیگری که کنترل آن‌ها خارج از دسترس پژوهشگر است و امکان تأثیرگذاری آن‌ها بر نتایج پژوهش دور از ذهن نیست، متغیرهایی مانند شاخص‌های عمده اقتصادی، وضعیت بازار سرمایه، عمر شرکت‌ها، تحصیلات و تجربه مدیران شرکت‌ها و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه، تعدادی از متغیرهایی هستند که ممکن است در این تأثیرگذاری نقش داشته باشند.

منابع

- اعتمادی، ح.، محمدی، ا. و ناظمی اردکانی، م. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین تخصص در صنعت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران". *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱ (۱)، ۳۲-۱۷.
- افلاطونی، ع. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری مالی، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
- حمیدی، ا. و شعری، ص. (۱۳۹۱). "شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته". *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲ (۲)، ۴۹-۶۴.
- خدادادی، و.، ویسی، س. و چراغی‌نیا، ع. (۱۳۹۵). "عدم قطعیت مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی". *دانش حسابداری*، ۲۷ (۷)، ۱۰۹-۱۳۳.
- رجبی، ر. و محمدی‌خوشنوی، ح. (۱۳۸۷). "هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۳)، ۳۳-۵۲.
- سرلک، ن.، اکبری، م. (۱۳۹۲). "رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰ (۴)، ۹۲-۷۷.

واعظ، ع.، رمضان احمدی، م. و رشیدی باغی، م. (۱۳۹۳). "تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها". *دانش حسابداری مالی*، ۱ (۱)، ۸۷-۱۰۷.

Aharony, J., Wang, J. and Yuan, H. (2009). Tunneling as an Incentive for Earnings Management during the IPO Process in China. *Journal of Accounting and Public Policy (forthcoming)*.

Ben Ali, C., Lesage, C. (2012). "Audit Pricing and Nature of Controlling Shareholders: Evidence from France, China". *Journal of Accounting Research*, 6 (1): 21-34.

Cheung, Y., Jing, L, Lu, T, Rau, P. R, Stouratis A. (2008). Tunnelling and Propping Up: An Analysis of Related Party Transactions by Chinese Listed Companies. *Social Science Research Network, www.ssrn.com*,

Corlacia, A. and Tudor, A. (2011). "Related Party Transaction Overview". *Annales Universitatis Series Oeconomica*, 13 (2): 241-248.

DeFond, M.L., Francis, J.R. and Wong, T.J. (2000). "Auditor Industry Specialization and Market Segmentation: Evidence from Hong Kong". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (1): 49-66.

Dunn, K., Mayhew, B.W. (2004). "Audit Firm Industry Specialization and Client Disclosure Quality". *Review of Accounting Studies*, 9 (1): 35-58.

Fleming, D., Kevin, H, Romanus R.N. (2014). "Auditor Industry Specialization and Audit Fees Surrounding Section 404 Implementation". *Review of Accounting and Finance*, 13 (4): 353-370.

Gordan, E. A., Elaine, Henry. (2005). Related Party Transactions and Earnings Management. Rutgers University, Retrieved from <http://papers.ssrn.com>.

Griffin, P, D. Lont, Sun, Y. (2009). Agency Problems and Audit Fees: Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis. Working Paper Series.

Gul, F.A., Kim, J.B. and Qiu, A.A. (2010). "Ownership Concentration, Foreign Shareholding, Audit Quality, and Stock Price Synchronicity: Evidence from China". *Journal of Financial Economics*, 95 (3): 425-442.

Habib, A., Jiang, H. and Zhou, D. (2015). "Related Party Transactions and Audit Fees: Evidence from China". *Journal of International Accounting Research*, 14 (1): 59-83.

Hay, D. and Jeter, D. (2011). "The Pricing of Industry Specialisation by Auditors in New Zealand". *Accounting and Business Research*, 41 (2): 171-195.

- Hay, D.C., Knechel, W.R. and Wong, N. (2006). "Audit Fees: a Meta-Analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes". *Contemporary Accounting Research*, 23 (1): 141-191.
- Hope, O.K., Longhli, J. and Wayne, T. (2010). Agency Conflicts and Auditing in Private Firms. www.ssrn.com.
- Kholback, M. and Mayhew, B. (2014). Are Related Party Transaction Red Flags? Available at [ssrn:http://ssrn.com](http://ssrn.com).
- Kohlbeck, M. and Mayhew, B. (2004). Agency Costs, Contracting, and Related Party Transactions. University of Wisconsin-Madison.
- Matteo, P. and Marco, V. (2014). "Related Party Transaction and Financial Performance is there a Correlation? Empirical Evidence from Italian Listed Companies". *Open Journal of Accounting*, 3 (1): 255-274.
- Mitra, S., Hossain, M. and Deis, D. (2007). "The Empirical Relationship between Ownership Characteristics and Audit Fees". *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28 (3): 257-285.
- Neimi, L. (2002). "Do Firms Pay for Audit Risk? Evidence on Risk Premiums in Audit Fees after Direct Control for Audit Effort". *International Journal of Auditing*, 6 (1): 37-51.
- Nikkinen, J. and Petri, S. (2005). "Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk". *Advances in International Accounting*, 19 (2): 141-151.
- Oktorina, M. and Wedari, L.K. (2015). "An Empirical Investigation on Ownership Characteristics, Activities of the Audit Committee, and Audit Fees in Companies Listed on Indonesia Stock Exchange". *Applied Finance and Accounting*, 1 (1): 20-29.
- Palmrose, Z. (1986). "Audit Fees and Auditor Size: Further Evidence". *Journal of Accounting Research*, 24 (1): 97-110.
- Simunic, D. (1980). "The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence". *Journal of Accounting Research*, 18 (1): 161-190.
- Srinivasan, P. (2013). "An Analysis of Related Party Transactions in India". *Indian Institute of Management Bangalore*, Working Paper No: 402.
- Wong, R., Kim, M.K. and Lo, J.B. (2015). "Are Related Party Sales Value-Adding or Value-Destroying?" *Journal of International Financial Management & Accounting City University of Hong Kong*, 26 (1): 1-38.